

ژئواستراتژی متغیر قفقاز جنوبی

علی‌همان اقبالی رازج

رئیس گروه مطالعات اوراسیا

در ماه‌های اخیر منطقه قفقاز جنوبی مورد توجه بیشتر کشورهای منطقه و قدرت‌های بیرونی قرار گرفته که دیدار رهبران باکو و ایروان در امارات متحده عربی، رایزنی رئیس‌جمهور ترکیه با رهبران این کشورها و حتی رایزنی‌ها با جولانی در باکو و غیره در کنار بروز تنش‌هایی در روابط باکو و مسکو قابل توجه است. همچنین اظهار نظرهای جدید در مورد کریدور جعلی زنگزور و نحوه مدیریت آن حتی توسط شرکت‌های غربی و خارجی و به‌ویژه برخی صحبت‌ها در مورد برقراری کریدور در بهار آینده از اهمیت مضاعف برخوردار است. تعامل این منطقه‌ای و بین‌المللی در حالی به دوران جدید از رقابت‌ها وارد شده که همانند رشد تکنولوژی بر سرعت تحولات سیاسی و امنیتی افزوده شده و عرصه بین‌الملل درگیر بحران‌های متکثر و متنوع از جمله جنگ تحمیلی به جمهور اسلامی ایران، نسل‌کشی در غزه، جنگ اوکراین؛ جنگ تعرفه‌های آمریکا با جهان به‌ویژه با چین و اروپا و تحولات فوق‌العاده در محوریت اوراسیا از جمله قفقاز جنوبی و غرب آسیاست. البته این منطقه از دیرباز حوزه تمدنی ایران بوده توامان با چهارراه اشتراکات فرهنگی، دینی و قومی که تحولات متنوعی را در مقاطع مختلف تاریخی تجربه کرده است. این منطقه غنی از نظر منابع طبیعی و ظرفیت‌های توسعه‌ای به عنوان حوزه تمدنی و تاریخی ایران، تحولات جدید در سال ۱۴۰۰ با عملیات نظامی آذربایجان علیه ارمنستان شاهد بود که هدف غایی در این رقابت بین‌محور ترکی – آذری، ارمنستان – روسیه داشتن سهم بیشتر در تسلط بر منطقه اوراسیاست که دارای اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک است.

در شرایط جدید که بروز نشانه‌های جنگ گرم و سرد جدید بین روسیه و غرب را شاهد هستیم، سه کشور قفقاز جنوبی به‌ویژه روسیه نگاه ویژه‌ای به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون مهم و تاثیرگذار تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی توامان با روابط دو جانبه توجه ویژه‌ای دارند. در شرایط جاری اخبار و تحولات مربوط به کریدور موهم زنگزور، برخی از کشورهای منطقه اهداف و منافع خاصی را دنبال می‌کنند که به‌طور طبیعی به نفع امنیت، راه‌زد مدت منطقه نبوده و نخواهد بود. لذا دولت ارمنستان هم، به آثار سوء این موضوع پی برده و مخالفت خود را اعلام کرده است. با توجه به تحولات میدانی و مواضع رسمی سران جمهوری اسلامی ایران که در سطوح مختلف و حتی در سطح مقام معظم رهبری در چند مرحله به مقامات طراز اول این کشورها؛ جمله روسیه، ارمنستان، آذربایجان و ترکیه اعلام شده و به نظر می‌رسد، چندان جایی برای عملیاتی شدن این کریدور موهم با شرایطی که مورد نظر باکو است، وجود ندارد؛ چراکه طبیعتاً هر گونه تغییر در جغرافیای منطقه، مرزها و اساساً ژئواستراتژی منطقه، به هیچ عنوان برای جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده نیست. همواره یکی از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حفظ تمامیت ارزی کشورها و عدم تغییر مرزها و ژئواستراتژی مناطق مختلف از جمله این منطقه بوده است. در عین حال از سویی کشورهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی خواسته یا ناخواسته دوران حساسی را تجربه می‌کنند که به نوعی منافع این کشورها را وجه‌المصلحه قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلیس فرانسه، آمریکا، روسیه و غرب قرار داده است. حتما تحولات اخیر دستاورد قابل ملاحظه‌ای برای مردم منطقه نخواهد داشت یا حداقل هیچ کشوری برنده حوادث اخیر نخواهد بود.

از سوی دیگر این تحولات به روند فعالیت اقتصادی کشورها ملطمه جدی زده و در درازمدت بر میزان رشد اقتصادی و تأمین نیازهای انرژی اروپا و کالاهای اساسی تاثیرگذار است؛ مضافاً که دیگر فعالیت‌ها از جمله صنعت توریسم را نیز با رکود جدی مواجه می‌کند. در عین حال باید اذعان کرد که مرحله جدیدی از جنگ سرد شروع شده که با تغییر نقشه ژئواستراتژی جهانی می‌تواند ضمن جابه‌جایی قدرت، بازار قدرت در شرق اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی، عواقب خطرناکی از جمله تغییر مرزها و حتی آغاز اولین جنگ فرامنطقه‌ای در هزاره سوم میلادی برای بشریت داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تحرکات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی در منطقه داشته که تایید کننده تداوم مواضع متوازن بی‌طرفی فلاته با هدف رایزنی با رهبران کشورهای منطقه و تقویت همکاری‌های همه‌جانبه است که در اظهار نظر مقامات کشورهای باکو و ایروان بر آن تأکید شده است؛ در عین حال که در سال‌های اخیر ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی به‌ویژه مبادلات اقتصادی و بازرگانی با سه کشور منطقه قفقاز جنوبی از جمله ارمنستان رشد قابل توجه تا دو برابری داشته است و همچنان ظرفیت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری مشترک و اقدامات مشترک اقتصادی و تکنولوژیک وجود دارد؛ همچنین در نشست سران بریکس در مسکو در اکتبر ۲۰۲۴ رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی کشورمان در دیدار با رهبران کشورهای مهم منطقه از جمله نخست‌وزیر ارمنستان بر اهتمام کشورمان در گسترش تمام عیار روابط با همسایگان از جمله سه کشور قفقاز جنوبی تأکید شده است.

به هر حال کشورمان ضمن رصد دقیق تحولات، اتخاذ مواضع شایسته و به موقع، رویکرد مهم تشویق طرفین به حل و فصل اختلافات مرزی و ارضی طرفین با محوریت گفت‌وگو و مینا قرار دادن کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی را سرلوحه امور قرار داده، چرا که ترقی و تعالی تمام عیار منطقه در گرو برقراری صلح پایدار و اعتماد توامان با مشارکت جمعی است. ختم کلام این‌که از طرفی اگر چه در حال حاضر شرایط منطقه به سوی پیچیدگی خاصی جلوب می‌رود ولی تجربه تاریخی می‌گوید که رهبران هوشمند کشورهای پیرامونی باید به‌گونه‌ای عمل کنند که همه‌جانبه روابط با تمرکز بیشتری بر بنیان‌های تمدنی و فرهنگی بیشتر با رویکرد توسعه‌ای و اقتصادی با کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی داشته باشد.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

برجام از شکلی به شکل دیگر در می‌آید



ایران و اروپا باید از تجربه تلخ گذشته عبرت بگیرند

ناقضان برجام آمریکا و اروپا بوده‌نه ایران



بود. در چنین شرایطی کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر امور خارجه اظهار داشت که گفت‌وگو با آژانس بر سر تعیین دامنه بازرسی‌ها خواهد بود. وی تصریح کرد که هنوز هیچ تضمینی برای دسترسی بازرسان به تمامی سایت‌های حساس از جمله فردو، اصفهان و نطنز وجود ندارد. غریب‌آبادی همچنین هشدار داد که بازگرداندن تحریم‌ها بدون توافق وضعیت را به طور جدی پیچیده خواهد کرد و تأکید کرد چنین اقدامی فاقد مبنای حقوقی است. او افزود که هرگونه تشدید فشارهای رسانه‌ای و مالی از سوی کشورهای اروپایی ممکن است ایران را به بازنگری در عضویت خود در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا NPT وادار سازد. اقدامی که می‌تواند پیامدهای سنگینی در عرصه بین‌الملل به همراه داشته باشد. «آرمان‌ملی» برای تحلیل و بررسی وضعیت پیچیده کنونی با حسن بهشتی‌پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان‌ملی – احسان انصاری؛ وزرای خارجه انگلیس، فرانسه، آلمان در تماس اخیر خود با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران اعلام کرده‌اند که بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی ممکن است به تعویق بیفتد مشروط بر آنکه تهران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر گیرد و بار دیگر وارد گفت‌وگو با واشنگتن شود. این تصمیم در صورت اجرا استثنائی از چارچوب تعیین شده در توافق هسته‌ای خواهد بود. بر اساس برنامه ریزی اولیه اتحادیه اروپا قصد دارد در صورت عدم پیشرفت محسوس در مذاکرات مکانیسم ماشه را تا پایان ماه اوت (۸ شهریور) فعال کند. این در حالی است که منابع دیپلماتیک از سفر قریب‌الوقوع هیأتی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران خبر داده‌اند. این سفر با هدف بررسی امکان بازگشت نظارت‌ها و بازرسی‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران انجام خواهد شد. همکاری‌هایی که پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به حالت تعلیق درآمده

احیای سازوکارهای اعتمادساز، طراحی ابزارهای نظارت متقابل و بازنگری در ساختار حقوقی برجام متناسب با واقعیات امروز می‌تواند به فعال شدن ابتکارات دیپلماتیک جدید کمک کند

صورت اجرای تعهدات طرف مقابل حاضر است به وضعیت قبل بازگردد. از منظر حقوق بین‌الملل اقدام ایران واکنشی مشروع، قانونی و متناسب در چارچوب بندهای جبرانی توافق بود. در مقابل آمریکا و تروئیکا اروپا به عنوان ناقضان اصلی توافق صلاحیت حقوقی و اخلاقی برای فعال سازی مکانیسم ماشه را از دست داده‌اند. تجربه تلخ سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ نشان داد که فشار صدور قطعنامه و رویکرد تنبیهی نه تنها به نتیجه نخواهد رسید بلکه مسیر تعامل را به تقابل تبدیل خواهد کرد. تکرار این خطار شرایط کنونی ممکن است ایران را به اتخاذ تصمیم‌های سخت‌تری مانند خروج از معاهده NPT سوق دهد. نتیجه‌ای که برای همه طرف‌ها زیان‌بار و پرهزینه خواهد بود. من فکر می‌کنم کشورهای اروپایی باید در مقابل ایران مسیر جدیدی را تجربه کنند. احیای سازوکارهای اعتمادساز، طراحی ابزارهای نظارت متقابل و بازنگری در ساختار حقوقی برجام متناسب با واقعیات امروز می‌تواند به فعال شدن ابتکارات دیپلماتیک جدید کمک کند. در نهایت راه حل پایدار تنها از مسیر دیپلماسی واقع‌گرایانه، احترام متقابل و تضمین منافع طرفین خواهد گذشت.

قرار است کارشناسان آژانس برای مذاکره به ایران سفر کنند. این در حالی است که یکی از درخواست‌های کشورهای اروپایی گفت‌وگو با آمریکا است. در شرایطی که آمریکا در حین مذاکره به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد. قرار است محور مذاکرات احتمالی چه باشد؟

باید تکلیف برجام و این مناقشه مشخص شود. اگر دیپلماسی چند جانبه پشتوانه حقوقی و ضمانت اجرایی نداشته باشد، حتی بلند پروازانه‌ترین توافقات نیز در برابر تغییرات داخلی کشورها شکستده خواهد بود

پروانه مافی:

قدرت انسجام ملی موجب پیشرفت اهداف استراتژیک کشور می‌شود

برخورداری از این ویژگی، حفظ آن است. باید برای تقویت این انسجام برنامه‌ریزی شود. ایرانیان از تبعیض خیلی دلخور و سرخورده می‌شوند. مافی تأکید کرد: زمانی که مردم احساس می‌کنند که کشور دچار دوگانگی شده و یک گروه بر گروه دیگر مسلط هستند؛ قدرت و منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توسط یک گروه مصادره شده و گروه دیگر حذف می‌شود، به شدت ویژگی انسجام ایرانیان دچار خدشه و آسیب می‌شود. اگر می‌خواهیم وحدت به وجود آمده و یگانگی ایجاد شده که ریشه در فرهنگ عمومی ملت ایران دارد، حفظ شود و استمرار پیدا کند باید برای رفع تبعیض هاگام برداریم. قدرت

گفت: همین عامل سبب شده تا در طول تاریخ فرهنگ ایرانی دچار شکستگی، یا هضم در سایر فرهنگ‌ها و یا محو در فرهنگ گروه‌های متجاوز، نشود. این ویژگی خاص که فرهنگی ایرانیان که در طول تاریخ کهن این سرزمین در بین مردم ایران همواره وجود داشته است، یکپارچگی و حفظ وحدت در مقابل تجاوز بیگانگان است.

به عبارت دیگر در فرهنگ غنی ملت ایران در طول تاریخ، هر کجا که جسارت بیگانگان و تجاوز رخ داده و دشمن قصد داشته تا به اساس این ملت خدشه وارد کند، ایرانیان به شکل کافی و وافی و محکم ایستاده و از سرزمین خود حراست کردند. پروانه مافی

گزارش

چگونه جنگ، توافق ایران و آمریکا رانایود کرد؟

فرصت طلایی دیپلماسی هسته‌ای

مقامات ارشد ایالات متحده و ایران پنج دور کامل از مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای غیرنظامی تهران را پشت سر گذاشته بودند. هر دو طرف این مذاکرات را «سازنده» توصیف کرده و آماده ورود به دور ششم گفت‌وگو‌ها بودند، اما این روند دیپلماتیک با آغاز ناگهانی بمباران ایران متوقف شد. آمریکا کنسرویتیومدعی شد؛ این نقطه عطف، در حالی که پیش از حملات مشترک اسرائیل و آمریکا کورسوی امیدی برای توافق وجود داشت. اکنون دو پرسش اساسی را به‌همیان آورد: است: ایران و آمریکا تا چه اندازه به دستیابی به توافق نزدیک شده بودند؟ و توافق احتمالی چه ساختار و محتوایی می‌توانست داشته باشد؟

امیدواری و ناامیدی

نشانه‌ها و اظهار نظرهای متعدد حکایت از آن دارد که دوطرف واقعا به نقطه‌ای حساس و نزدیک به توافق رسیده بودند؛ مسیری دیپلماتیک که می‌توانست تضمین کند برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران هرگز به سمت مقاصد نظامی منحرف نخواهد شد. با این حال، این مسیر امیدبخش به یک باره با تصمیم دونالد ترامپ و چراغ سبز او برای حمله نظامی مختل شد؛ اقدامی که اعتماد شکننده میان تهران و واشنگتن را در هم شکست و راه را برای دستیابی به توافقی تاریخی به مراتب دشوارتر کرد. رهبری تیم مذاکره‌کننده ایران را عباس عراقچی، وزیر امور خارجه این کشور برعهده داشت. او در یادداشتی که اوایل ماه جاری در فایننشال تایمز منتشر شد، تأکید کرد ایران و آمریکا در آستانه یک دستاورد تاریخی، قرار گرفته بودند. عراقچی با اشاره به روند مذاکرات نوشت: «در پنج دیدار طی نه هفته، من و استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا، بیش از آنچه در چهار سال مذاکره با دولت شکست‌خورده بایدین حاصل شد، پیشرفت کردیم.» عراقچی در ادامه تأکید می‌کند که دوطرف «گفت‌وگوهایی مفصل و صریح» درباره «چندین پیشنهاد برای راه‌حل بر-برد» داشتند؛ پیشنهادهایی که هم از سوی ایران و آمریکا و هم با میانجی‌گری عمان روی میز قرار گرفته بود. فضای مذاکرات به شدت امیدوارکننده بود. به گفته عراقچی، «همه چیز رو به بهبود می‌رفت و سبیلی از پیام‌ها میان طرفین رد و بدل می‌شد.» اما تنها ۴۸ ساعت پیش از دور ششم، قرار بود سرنوشت مذاکرات را رقم بزنند، اسرائیل بدون دلیل دست به حمله‌ای گسترده علیه ایران زد.

پنج تبعید کلیدی

وزیر امور خارجه ایران تنها کسی نیست که معتقد است دوطرف به نقطه توافق نزدیک شده بودند. سید حسین موسویان، سفیر پیشین و مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای ایران، از نیز در همین خصوص تأکید می‌کند که به گفته منابع مطلع ایرانی، مذاکرات آنقدر پیش‌رفته بود که «عناصر کلیدی توافق میان ویتکاف و عراقچی عملاً خود موسویان، توافق مورد بحث پنج محور کلیدی داشت: نخست، تهران با شفافیت حداکثری هسته‌ای و بازرسی‌های گسترده موافقت می‌کرد. دوم: ایران متعهد می‌شد ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی خود را بنایدیل کند یا صادر نماید(روسیه اعلام کرده بود آماده است مازاد اورانیوم غنی‌شده ایران را دریافت کرده و آن را به سوخت راکتور تبدیل کند) سوم: ایران غنی‌سازی در سطوح بالا را متوقف می‌کرد و سقف غنی‌سازی آینده را بر ۳.۳۶۷ درصد، مطابق نیاز یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی محدود می‌ساخت. چهارم: ایران برای رفع همه ابهامات فنی باقیمانده، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را می‌پذیرفت. در نهایت نیز ایران حق برخورداری از برنامه هسته‌ای غیرنظامی را حفظ می‌کرد و آمریکا نیز تمامی تحریم‌های مرتبط هسته‌ای را لغو می‌نمود. چنین توافقی می‌توانست ضمن تثبیت خواسته ایران برای حفظ حق غنی‌سازی غیرنظامی، نگرانی آمریکا را نسبت به جلوگیری از دسترسی ایران به برنامه تسلیحاتی برطرف سازد و همزمان با فراهم کردن نظارت بین‌المللی مؤثر، تضمین کند که تهران از تعهدات خود پایبند خواهد ماند.

حمله هوایی به راه حل

اما این تنها تهنیتی مطرح شده در مذاکرات نبود. سید حسین موسویان در گفت‌وگو با «ایرکن کنسرویتیو» تأکید کرده است که ایران نسبت به ایده تشکیل یک کنسرسیوم هسته‌ای بین‌المللی نیز نگاه مثبتی داشت. بر اساس این طرح، فرایند غنی‌سازی اورانیوم میان چند کشور عضو تقسیم می‌شد تا هیچ کشوری به تنهایی کنترل کامل یا خارج از نظارت بر برنامه را در اختیار نداشته باشد. در یکی از سناریوها، حتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز به این کنسرسیوم می‌پیوستند؛ ابتکاری که به ایران اجازه می‌داد به حق غنی‌سازی دست یابد. اما این امکان را از تهران می‌گرفت که به تنهایی اورانیوم را تا سطوح بالا غنی‌سازی کند؛ موضوعی که دغدغه اصلی آمریکا بود. بر اساس این طرح، کارشناسان هسته‌ای کشورهای مختلف می‌توانستند به صورت متقابل از تأسیسات یکدیگر بازدید کنند و تمامی فعالیت‌ها زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با هدف تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه ادامه می‌یافت. ایران آمادگی خود را برای بررسی ایده کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای نشان داده بود. مجید تخت‌روانی، معاون وقت وزیر امور خارجه ایران، نیز تأیید کرده بود که «ایده کنسرسیوم هسته‌ای» روی میز قرار داشته است. او تأکید کرده بود که این طرح «در صورت وجود آستانه دستیابی به توافقی مهم با ایالات متحده قرار داشت. اما این روند با آغاز حملات هوایی ناگهانی متوقف شد.